

آنچه پدر و مادرتان به شما نگفتند : من مردی تنوع طلبم ، چه کنم ؟

مرتضی هستم ۲۵ ساله
ازدواج کردم و الان ۱ سال از ازدواجم میگذره
ولی من هیچ احساسی به زنم ندارم یعنی از لذت نمیبرم
البته اینو بگم که تقریباً آدم تنوع طلبم
و همش با این دختر و اون دختر ارتباط دارم
این الان به موضوع شده که همش دارم بهش فکر میکنم که من الان دارم زندگی اون دخترم نابود میکنم
میگم الان جونه اگه بره میتونه دوباره زندگیشو بسازه
از طرفی هم دلم نمیاد واقعا بین این دوراهی موندم از طرفی هرکاری میکنم نمیتونم خودمو درست کنم که
فقط با این نفر باشم
آقای دکتر لطفا کمک کنید

=====



مرتضای عزیز
پذیرش تنوع طلبی البته شهادت خوبیه ولی کمک خاصی به رفع مشکل الانت نمیکنه
ازدواج یعنی "تنوع طلبی ذهنی را مبدل کنی به :

- تمرکز بر زندگی و پیشرفت و درآمد و
- روابط خانوادگی خوب ساختن با اطرافیان
- جایگزینی پادشاهای اجتماعی "متاهلی" به جای "مجردی"

البته کم نیستند کسانی که ازدواج را به قسمت زهنشان دارند و مجردی را نیز در بقیه زندگی شان !
ان الان دلیل تراشی هم داری میکنی ، یعنی به جای ممارست در مراقبت زهن از راهزنی عاطفی و جنسی ،
نقش قهرمان رابطه را داری برای خودت بازی میکنی که " به خاطر بدبخت نشدن او ازش جدا بشی بره
دنبال زندگیش "

برعکسش را هیچوقت نمیتونستی تحمل کنی !
با این حال اگر نمیتوانی خودت را جمع کنی (ذهن + عملکرد) شاید وقتشه که با زنت در میون بگذاری و
نزد یک مشاور بری